



سیر انسان در قرآن

جلسه دوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی

دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

سلسله مباحث «سیر انسان در قرآن» - جلسه دوم

موضوع: تقوا، مراقبه و آغاز سیر درونی انسان

این جلسه ادامه‌ی طبیعی مباحث جلسه‌ی نخست است و بر این پرسش متمرکز می‌شود که گام اول سیر انسان در قرآن چیست؟ استاد محمدحسین رحیمی با حفظ همان رویکرد انسان‌شناسانه‌ی قرآنی، این بار از «خودشناسی کلی» به «نقطه‌ی آغاز حرکت» می‌رسند و آن را در مفهوم تقوا توضیح می‌دهند. در این تقریر، تقوا صرفاً یک دستور اخلاقی یا یک حالت پرهیزکارانه‌ی سطحی نیست، بلکه به معنای دقیق‌تر مراقبه و مراقبت آگاهانه از خود است.

۱) شناسنامه و جایگاه جلسه

این سخنرانی، جلسه دوم از مجموعه مباحث «سیر انسان در قرآن» است؛ مجموعه‌ای که در آن قرآن به مثابه کتاب انسان خوانده می‌شود، نه فقط مجموعه‌ای از احکام و گزارش‌های تاریخی. در جلسه نخست، بحث بر سر این بود که انسان در قرآن چگونه دیده می‌شود و چه تیپ‌های وجودی‌ای در متن وحی قابل شناسایی‌اند.

در جلسه دوم، بحث وارد مرحله‌ای عملی‌تر می‌شود:

اگر انسان بخواهد وارد سیر قرآنی شود، نخستین قدم چیست؟ پاسخ استاد: تقوا، یعنی مراقبه.

۲) تقوا به معنای مراقبه

یکی از محورهای بسیار مهم این جلسه، بازتعریف واژه‌ی تقواست. استاد با صراحت تقوا را به مراقبت ترجمه می‌کنند و تأکید دارند که این ترجمه، صرفاً یک تقریب زبانی نیست، بلکه به باطن معنای تقوا نزدیک‌تر است. در این تلقی، تقوا یعنی:

- انسان نسبت به خود بیدار باشد؛
 - در برابر رفتار، نیت، تصمیم و مسیرش حضور ذهن و حضور قلب داشته باشد؛
 - زندگی را به صورت آگاهانه و تحت نظر بگیرد، نه در حالت غفلت.
- پس تقوا در این جلسه، یک مفهوم منفعلانه نیست؛ تقوا یعنی حالت هوشیارانه‌ی نفس در برابر خود، خدا و مسیر حرکتش.

۳) قرآن برای چه کسانی هدایت است؟

استاد در ادامه به آیه‌ی مشهور «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» استناد می‌کنند و از آن نتیجه می‌گیرند که قرآن، در افق هدایت زنده و مؤثر، برای اهل مراقبه نازل شده است. نکته‌ی اصلی اینجا این است که:

- قرآن فقط یک متن برای خواندن نیست؛
 - بلکه کتابی است که برای انسان متوجه و مراقب گشوده می‌شود؛
 - و کسی که در غفلت به سر می‌برد، از هدایت قرآنی بهره‌ی کامل نمی‌گیرد.
- به بیان دیگر، قرآن در این جلسه نه فقط کتاب «اطلاع»، بلکه کتاب «انکشاف» معرفی می‌شود؛ اما انکشاف برای کسی رخ می‌دهد که آماده‌ی دیدن باشد.





سیر انسان در قرآن

جلسه دوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی

دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

۴) فرق میان فهمیدن و یافتن

یکی از دقیق‌ترین و عمیق‌ترین نقاط بحث، تمایز میان فهمیدن و یافتن است. استاد توضیح می‌دهند که انسان ممکن است سال‌ها درباره‌ی معارف دینی، عرفانی یا اخلاقی بداند، اما هنوز به حقیقت آن نرسیده باشد.

در اینجا یک رمز مهم ترسیم می‌شود:

- فهمیدن = داشتنِ درک ذهنی، تحلیلی و کتابی
- یافتن = رسیدنِ حضوری، شهودی و وجودی

این تمایز، شاکله‌ی اصلی جلسه را می‌سازد.

استاد با آوردن مثال معروف علامه طباطبایی و آقای قاضی نشان می‌دهند که حتی دانش عمیق و مطالعه‌ی گسترده نیز لزوماً مساوی با «رسیدن» نیست.

پیام این روایت این است که:

ممکن است انسان بسیار بداند، اما هنوز در آستانه‌ی حقیقت ایستاده باشد، نه در متن آن. این نکته، در واقع نقدی است بر معرفتِ صرفاً نظری؛ معرفتی که به زندگی و جانِ انسان نفوذ نکرده باشد.

۵) مجاهده و گشوده شدن راه‌ها

در ادامه، استاد به آیه‌ی «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» اشاره می‌کنند و از آن برای توضیح منطق سیر استفاده می‌کنند. در این خوانش:

- سیر انسان یک مسیر ایستا یا یک آموزشِ صرف نیست؛
 - بلکه راهی است که با مجاهده آغاز می‌شود؛
 - و پس از مجاهده، «سبیل» الهی به تدریج گشوده می‌گردد.
 - «سبیل» در اینجا فقط به معنای راه‌های متعدد نیست، بلکه نشان‌دهنده‌ی آن است که:
 - هدایت الهی، لایه‌لایه و مرحله‌به‌مرحله آشکار می‌شود؛
 - انسان با حرکت درونی خود، ظرفیت دریافت مسیرهای جدید را پیدا می‌کند.
- استاد این معنا را با تعبیری زنده و تصویری بیان می‌کنند:
- گویی راه هدایت مانند یک پله برقی زنده است؛ اگر قدم اول را برداری، خودِ مسیر تو را بالا می‌برد.

۶) جهان محسوس و آنچه پشت ظاهر پنهان است

- بخش دیگری از سخنرانی بر این نکته متمرکز است که انسان معمولاً در سطح علت‌های ظاهری زندگی می‌کند. یعنی:
- به دوستانش نگاه می‌کند، به امکاناتش، به محیط، به برنامه‌ریزی‌ها، به ابزارهای بیرونی، و به عوامل آشکارِ موفقیت یا شکست.
- اما استاد یادآور می‌شوند که در پس این سطح آشکار، لایه‌ای عمیق‌تر وجود دارد؛ لایه‌ای که باید آن را شناخت و درک کرد.
- این «بُعد پنهان» همان جایی است که:
- اراده، نیت، حقیقتِ درونی، و جهت وجودی انسان، خود را نشان می‌دهند.





سیر انسان در قرآن

جلسه دوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی

دهه اول محرم ۱۴۴۸، دبیرستان مفید

در نتیجه، سیر انسان تنها فهم ظاهر زندگی نیست، بلکه عبور از ظاهر به باطن است؛ عبور از «آنچه دیده می‌شود» به «آنچه واقعاً مؤثر است».

۷) جایگاه حکایت علامه طباطبایی

استاد در این بخش، دوباره به حکایت دیدار علامه طباطبایی با آقای قاضی برمی‌گردند تا روشن کنند که ادراک نظری با تحقق وجودی یکی نیست. این مثال دقیقاً برای این آورده می‌شود که مخاطب بفهمد:

- ممکن است انسان در علم، قوی و جدی باشد؛
- اما وقتی به ساحت حقیقت زیسته وارد می‌شود، تازه بفهمد که دانسته‌هایش کافی نبوده‌اند.

کارکرد این داستان در بحث، صرفاً روایی نیست؛ بلکه یک هشدار معرفتی است: کسی که گمان کند صرفاً با مطالعه، به حقیقت نهایی رسیده، هنوز در ابتدای راه است.

۸) نتیجه‌ی تربیتی بحث

از مجموع این بخش‌ها، یک نتیجه‌ی مهم تربیتی به دست می‌آید: سیر انسان با آگاهی مراقبه‌ای آغاز می‌شود، نه با ادعا. یعنی:

- نه با صرف اطلاعات دینی؛ نه با تظاهر به دینداری؛ نه با شعارهای معنوی؛
- بلکه با مراقبت از خود، مجاهده، و عبور از فهم ذهنی به یافتن وجودی.

این سخن به صورت غیرمستقیم به این معنا هم می‌رسد که:

- تربیت، فقط انتقال معلومات نیست؛
- تربیت یعنی آماده‌سازی انسان برای دریافت حقیقی هدایت.

۹) جمع‌بندی نهایی سخنرانی

اگر بخواهیم این جلسه را در یک صورت‌بندی فشرده اما دقیق جمع کنیم، پیام اصلی آن چنین است:

۱. تقوا، آغاز سیر انسان است؛
۲. تقوا یعنی مراقبه و بیداری درونی؛
۳. قرآن هدایت اهل مراقبه است؛
۴. فهمیدن کافی نیست، یافتن لازم است؛
۵. مجاهده، راه‌های هدایت را می‌گشاید؛
۶. انسان باید از سطح ظاهر به لایه‌ی پنهان حقیقت عبور کند؛
۷. معرفت حقیقی، تجربی و وجودی است، نه صرفاً کتابی و ذهنی.

۱۰) صورت نهایی پیام جلسه

این سخنرانی در نهایت می‌خواهد این حقیقت را به جان شنونده بنشانند که: سیر انسان در قرآن، با بیداری آغاز می‌شود. کسی که مراقب خود نیست، قرآن را فقط می‌خواند؛ اما کسی که اهل مراقبه است، قرآن را می‌یابد.





کالبدشکافی مشروح سخنرانی «سیر انسان در قرآن» (جلسه دوم)

محور: تقوا به مثابه مراقبه و آغاز سیر هدایت

۱) جایگاه این جلسه در هندسه‌ی کلان بحث

جلسه دوم، ادامه‌ی مستقیم جلسه اول است، اما از سطح صورت‌بندی انسان‌شناسانه وارد سطح نقطه‌ی آغاز حرکت می‌شود. اگر در جلسه اول، استاد بر این نکته تأکید داشتند که قرآن «کتاب انسان» است و در آن، تیپ‌های وجودی گوناگون انسان بازتابی شده‌اند، در جلسه دوم پرسش دقیق‌تر می‌شود: انسان چگونه وارد مسیر قرآن می‌شود؟ آغاز این سیر چیست؟ چه شرطی لازم است تا قرآن واقعاً هدایت‌گر شود؟ پاسخ استاد، یک واژه‌ی کلیدی است: تقوا. اما نه به معنای رایج صرفاً اخلاقی یا فقهی، بلکه به معنای دقیق‌تر و وجودی‌تر آن: مراقبه.

۲) تز اصلی سخنرانی: «تقوا = مراقبه»

هسته‌ی مرکزی این جلسه، بازتعریف تقواست. استاد به صراحت تقوا را معادل مراقبه می‌گیرند؛ یعنی حالتی که انسان در آن، نسبت به خود، نیت‌ها، رفتارها و مسیرش آگاه و ناظر است. این جا تقوا دیگر فقط به معنای «ترک بعضی گناهان» یا «پرهیز از برخی محرمات» نیست؛ بلکه یک وضعیت روانی-معنوی بیداری است. در این معنا:

- انسان نسبت به خویش غافل نیست؛
 - خود را رهاشده نمی‌بیند؛
 - و پیوسته در حال سنجش و مراقبت از مسیر درونی خویش است.
- این تعبیر، تقوا را از یک مفهوم صرفاً هنجاری، به یک مقوله‌ی سلوکی و معرفتی تبدیل می‌کند.

۳) آیه‌ی بنیادین: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»

استاد برای تثبیت این معنا به آیه‌ی «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ ۗ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» استناد می‌کنند. برداشت اصلی از این آیه در سخنرانی چنین است:

- قرآن به‌خودی‌خود کتاب هدایت است؛
- اما فعلیت هدایت آن برای کسانی رخ می‌دهد که در حالت تقوا/مراقبه باشند؛
- یعنی آماده‌ی دریافت، توجه و انکشاف باشند.

در این تلقی، هدایت قرآنی امری مکانیکی نیست. قرآن مثل یک «فایل اطلاعاتی» نیست که صرفاً مواجهه با آن، نتیجه‌ی مطلوب را بدهد. بلکه هدایت، زمانی محقق می‌شود که فاعل انسانی در وضعیت مناسب درونی قرار گرفته باشد. پس رابطه‌ی انسان و قرآن در این جلسه چنین تصویر می‌شود: قرآن = منبع هدایت / تقوا = ظرف دریافت هدایت

۴) از «دانستن» تا «یافتن»: مسئله‌ی اصلی جلسه

یکی از ظریف‌ترین لایه‌های این سخنرانی، تمایز میان دانستن و یافتن است. استاد توضیح می‌دهند که ممکن است انسان:





سیر انسان در قرآن

جلسه دوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی

دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

- سالها معارف دینی را بخواند،
 - مفاهیم را بشناسد،
 - و حتی در تحلیل‌های معرفتی دقیق باشد،
- اما هنوز به حقیقت آنچه می‌داند نرسیده باشد.
- اینجا دو سطح از مواجهه با حقیقت از هم جدا می‌شوند:

الف) دانستن

- شناخت مفهومی
- آگاهی ذهنی
- تحلیل نظری
- انباشت اطلاعات

ب) یافتن

- رسیدن حضوری
- لمس وجودی
- تحقق درونی
- تجربه‌ی شهودی حقیقت

در منطق سخنرانی، سیر انسان با «دانستن» آغاز می‌شود، بلکه با وارد شدن به وضعیت یافتن‌پذیری آغاز می‌شود؛ و این وضعیت همان تقوا/مراقبه است.

۵) کارکرد تمثیل علامه طباطبایی و آقای قاضی

یکی از مهم‌ترین شواهدی که در این جلسه به آن ارجاع داده می‌شود، حکایت علامه طباطبایی و آقای قاضی است. کارکرد این ارجاع، صرفاً تاریخی یا روایی نیست؛ بلکه یک شاهد معرفت‌شناختی است. استاد با این مثال نشان می‌دهند که:

- حتی چهره‌ای بسیار فرهیخته، علمی و مفسر مانند علامه طباطبایی نیز،
 - در برابر افق سلوکی حقیقت،
 - وارد مرحله‌ای از فهم می‌شود که نشان می‌دهد دانش عمیق، مساوی تحقق وجودی نیست.
- این مثال دقیقاً برای این است که مخاطب دچار توهم «کفایت دانستن» نشود. یعنی: علم، اگر به ساحت وجود نرسد، هنوز علم نجات‌بخش نشده است.
- این‌جا جلسه یک نقد جدی به «دینداری صرفاً ذهنی» و «معرفت کتابی غیرمتحقق» ارائه می‌دهد.

۶) مجاهده به عنوان شرط گشوده شدن مسیر

استاد سپس به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» استناد می‌کنند و از آن، یک منطق سلوکی استخراج می‌نمایند:

۱. مجاهده از سوی انسان
 ۲. هدایت از سوی خدا
 ۳. گشوده شدن سبیل به صورت مرحله‌ای و تدریجی
- در این فهم، هدایت الهی یک امر ایستا نیست، بلکه در پاسخ به مجاهده‌ی انسان، راه‌های جدیدی را باز می‌کند. به عبارت دیگر، هرچه مراقبه و تلاش درونی بیشتر شود، افق‌های تازه‌تری از هدایت گشوده می‌شود.
- این نکته را می‌توان یکی از مهم‌ترین قواعد تربیتی جلسه دانست:





سیر انسان در قرآن

جلسه دوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی

دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

- حرکت، شرطِ گشودگی است؛
- و گشودگی، نتیجه‌ی مجاهده.

(۷) تصویر راه در سخنرانی: مسیر زنده و نه جاده‌ی مرده

در بیان استاد، مسیر هدایت مانند یک راهِ صرفاً بیرونی و بی‌جان تصویر نمی‌شود. بلکه گویی انسان وارد یک مسیر زنده می‌شود؛ مسیری که اگر قدم اول را در آن بگذاری، خود راه تو را پیش می‌برد. این تصویر، از نظر تحلیلی بسیار مهم است، زیرا نشان می‌دهد که:

- هدایت، فقط یک «دستورالعمل» نیست؛
- بلکه یک «رابطه‌ی فعال» میان انسان و حقیقت است؛
- و این رابطه، با مراقبه و مجاهده فعال می‌شود.

پس سیر انسان در قرآن، حرکت روی یک نقشه‌ی ثابت نیست؛ بلکه ورود به یک فرایند زنده است که هر لحظه می‌تواند افق تازه‌ای بگشاید.

(۸) لایه‌ی پنهان واقعیت: عبور از ظاهر به باطن

در بخش‌های میانی سخنرانی، استاد بر این نکته تأکید می‌کنند که انسان غالباً در سطح علل ظاهری زندگی می‌کند:

- دوست‌ها،
- امکانات،
- شرایط،
- ابزارها،
- و عوامل آشکار بیرونی.

اما سخنران یادآور می‌شود که حقیقتِ انسان و مسیر او در لایه‌ای عمیق‌تر رخ می‌دهد:

- نیت‌ها،
- اراده‌ها،
- جهت‌گیری درونی،
- و وضعیتِ قلب و نفس.

تقوا/مراقبه دقیقاً ابزار ورود به همین لایه‌ی پنهان است. یعنی کسی که مراقب است، فقط «اتفاقات» را نمی‌بیند؛ بلکه پشت‌پرده‌ی وجودی اتفاقات را نیز رصد می‌کند.

(۹) نقد ضمنی معرفتِ بدون سلوک

این سخنرانی به‌صورت ضمنی یک نقد جدی به برخی صورت‌های دینداری دارد:

- دینداری صرفاً اطلاعاتی،
- معارف‌خوانی بی‌تحول،
- و معنویت بی‌مجاهده.

استاد با تأکید بر تقوا به‌مثابه مراقبه، عملاً می‌گویند: اگر آگاهی انسان به مراقبت از خود منتهی نشود، هنوز به سیر قرآنی وارد نشده است. به همین دلیل، این جلسه را می‌توان نوعی نقد حجابِ علم نیز دانست؛ یعنی علمی که به‌جای گشودن انسان، او را در توهم رسیدن نگه دارد.





سیر انسان در قرآن

جلسه دوم سخنرانی جناب آقای محمدحسین رحیمی

دهه اول محرم ۱۴۴۸ ، دبیرستان مفید

(۱۰) تحلیل مفهومی: تقوا در این جلسه چه نیست؟

برای دقت بیشتر، باید روشن کرد که تقوا در این سخنرانی چه نیست:

- فقط پرهیز اخلاقی نیست
 - یعنی مسئله صرفاً انجام ندادن بعضی رفتارها نیست.
 - فقط یک فضیلت فردی نیست
 - بلکه یک حالت بنیادین نسبت انسان با خود و خداست.
 - فقط ترس از عقاب نیست
 - بلکه نوعی بیداری و حضور است.
 - فقط مفهوم فقهی نیست
 - بلکه یک ابزار ورود به هدایت است.
- این تفکیک‌ها باعث می‌شود معنای تقوا در این جلسه، از سطح رایج و کلیشه‌ای بالاتر برود و به مفهوم «مراقبه‌ی وجودی» نزدیک شود.

(۱۱) نتیجه‌ی تربیتی: شرط آغاز سیر

اگر بخواهیم نتیجه‌ی عملی و تربیتی این جلسه را در یک فرمول خلاصه کنیم، باید گفت: آغاز سیر انسان در قرآن، مراقبه‌ی خویشتن است.

یعنی:

- انسان باید از غفلت بیرون بیاید؛
- خود را موضوع مراقبت قرار دهد؛
- به جای صرف خواندن و دانستن، در وضعیت یافتن قرار بگیرد؛
- و از مجاهده‌ی درونی، برای گشوده‌شدن راه‌های هدایت بهره ببرد.

(۱۲) جمع‌بندی نهایی

این جلسه از مجموعه‌ی «سیر انسان در قرآن» را می‌توان چنین خلاصه کرد:

الف) لایه‌ی مفهومی

تقوا در اینجا به معنای مراقبه است.

ب) لایه‌ی معرفت‌شناختی

دانستن کافی نیست؛ باید به یافتن رسید.

ج) لایه‌ی سلوکی

مجاهده، شرط گشوده‌شدن سبیل هدایت است.

د) لایه‌ی تربیتی

قرآن برای انسان مراقب، کتاب هدایت زنده است.

هـ) لایه‌ی نهایی

سیر انسان، از بیداری آغاز می‌شود، نه از ادعا.

